

## نگاهی به مجموعه قبرستان خضر نبی (ع)

میثم حسین زاده \*

### درآمد

استفاده از یادمانها، نشانه‌ها و نمادها برای تکریم و ارج نهادن به درگذشتگان و جاودان کردن یاد و خاطره آنها به صورتهای گوناگون در فرهنگها و جوامع مختلف دیده می‌شود. سنگ قبر از رایجترین این یادمانها است که با شکلهایی متفاوت ولی کارکردی به نسبت یکسان استفاده می‌شود. در ایران نیز با توجه به تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی موجود، سننهای متفاوت و مختلفی به خصوص در شیوه ساخت و آرایه‌های ایجاد شده بر روی سنگ قبر وجود دارد. با نگاهی گذرا به این یادمانها می‌توان دریافت که در کنار علائم و نشانه‌هایی که از گرایشها و تمایلات مذهبی افراد حکایت دارند (رعایت جهت قبله و استفاده از مفهوما و شعارهای اسلامی بر قبرهای مسلمانان) محیط و نظام اقتصادی جوامع، تاثیر عمده و تعیین کننده‌ای در شکل و مضمون ایجاد شده بر قبرها دارند. در این میان گاهی از شکلهایی چون تفنگ، سپر، شمشیر، شانه و یا نمادهایی به شکل حیواناتی چون شیر یا قوچ استفاده می‌شده است؛ که در اندیشه، باور و یا معیشت گروه‌های انسانی نقشی مهم و قابل توجهی داشته است.

### موقعیت جغرافیایی

بخش و شهر گتوند در استان خوزستان یکی از مناطقی است که به رغم وجود آثار و استعداد فراوان تاکنون مورد توجه و دقت کافی محققان و باستان‌شناسان قرار نگرفته است. بخش گتوند، از توابع شهرستان شوشتر، از شمال خاوری به بخش لالی، از جنوب خاوری به حومه مسجد سلیمان، از

جنوب به حومه شوشتر و از باختر به شهرستانهای شوش و دزفول محدود است. مرکز این بخش شهر گتوند در طول جغرافیایی ۴۴ ۴۸، و عرض جغرافیایی ۱۵ ۳۲، و در ارتفاع متوسط ۷۵ متری از سطح دریا قرار دارد. این شهر در ۳۰ کیلومتری شمال شوشتر واقع است. (فرهنگ آبادیهای کشور، جلد ۶۹، ۱۳۷۰). (پی نوشت ۱)

از نظر جمعیتی ساکنان این منطقه در برگرنده عشایر بختیاری از تیره‌های مختلف هستند که از این منطقه برای چرای زمستانه دامهای خود استفاده می‌کنند، روستاییان مرتبط با تیره‌ها و گروه‌های مختلف عشایر بختیاری و گروه‌های متفاوت با این ترکیب که عمدتاً در شهر گتوند مستقر هستند و علی‌رغم رابطه و قرابت فراوانی که با روستاییان اطراف و عشایر بختیاری دارند به نظر می‌رسد که بافتی ترکیبی از طایفه‌های مختلف، گروه‌ها و دسته‌های مهاجر و غیر بومی و شاید ساکنان قدیمی منطقه را در بر می‌گیرد که در کنار یکدیگر تشکیل دهنده جمعیت این منطقه هستند. زبان این مردم فارسی با گویش بختیاری و دین آنها شیعه دوازده امامی است. این منطقه به واسطه قرارگیری در محل تلاقی رودخانه کارون با اراضی دشت شوشان، همجواری با دامنه‌های زاگرس، وجود اشکفتها و پناهگاه‌های متعدد و زمینهای زراعی مستعد و مطلوب برای کشاورزی (آبی و دیم) و به ویژه دامداری سنتی از مناطق مناسب برای احداث زیستگاه و استقرار در طی زمان بوده است. در حال حاضر قدیمیترین آثار سکونت در این منطقه را می‌توان متعلق به دوره شوشان قدیم Early Susiana دانست. نمونه سفالهای منسوب به این دوره از سطح تپه گچ سنگی به دست آمده است (حسین زاده میثم؛ دانا محسن، منتشر نشده ۱۳۸۴). به جز این، از استقرارهای دوران

### قبرستان خضرنبی (ع):

با توجه به بافت جمعیتی شهر گتوند که متشکل از طایفه‌ها و ایل‌های مختلفی در قالب دو گروه اصلی موسوم به محله بالا یا به اصطلاح محلی مال بالا و پایین مال دوون (پی نوشت ۲) است. و زیر شاخه‌های ریز و جزیی در هر محله که در اصطلاح محلی حونه (Honeh) (پی نوشت ۳) مانند امین، صادق و غیره در گذشته دو قبرستان مجزا و متفاوت در این منطقه مورد استفاده بوده است. در بخش شمالی یا مال بالا (محله بالا)، در کنار مکانی موسوم به علی (قدمگاه منسوب به امام علی ابن موسی الرضاع) و در بخش جنوبی یا مال دوون (محله پایینی)، در کنار قدمگاه خضرنبی (ع) در منتهی الیه گسترش جنوبی بافت مسکونی.

این قبرستانها در گذشته خارج از بافت مسکونی قرار داشته‌اند. امروزه با گسترش شهر، جاده سازی و فعالیت‌های عمران شهری، به شدت در معرض تهدید و تخریب قرار گرفته‌اند و با توجه به قدمت زیاد و متروک بودن بخش‌های عمده‌ای از آنها به سرعت در فضاهای شهری و ساخت و ساز بناهای عمومی و دولتی در حال فراموشی، تخریب و نابودی هستند.

در این قبرستان و دیگر قبرستانهای منطقه بر خلاف شکل رایج سنگ قبرهای کنونی که به شکل مستطیلهایی منظم هستند، نمونه‌های سنتی را می‌توان در سه دسته عمده طبقه‌بندی کرد. نوع نخست قبرها با استفاده از چیدن تعدادی قله سنگهای رودخانه‌ای یا سنگ قواره نشده و نامنظم در ارتفاعی بالاتر از سطح زمین ایجاد شده‌اند. سطح این قبرها ساده و هیچ نشانه‌ای که با توجه به آن بتوان به هیت فرد اشاره کرد وجود ندارد. در این نوع از قبرها بعضاً با استفاده از چیدن چند سنگ، فضایی برای روشن کردن شمع و پناه آن از باد در بالای قبر ایجاد شده است. نمونه‌های متعددی از این نوع قبرها بصورت دو، سه و یا چهارتایی در کنار هم و بدون فاصله ایجاد شده که نشان دهنده نسبت نزدیک اموات دفن شده در آنها است.

نوع دوم نمونه‌هایی هستند که با استفاده از سنگ قبرهایی حجاری شده و بسیار زیبا و عمدتاً با یک بالشتکی کوچک و برآمده بر بالای قبر مشخص شده‌اند. بر سطح این نمونه‌ها با استفاده از کتیبه‌ای، نام متوفی، نام پدر، طایفه و یا محل سکونت و تاریخ وفات او ذکر شده است. در کنار این مطالب اشعاری در طلب رحمت و فاتحه، وصف مردانگی و شجاعت متوفی، شعارها و ادعیه دینی و نیز توسل به امامان و معصومین دیده می‌شود. در کنار این مضامین نقشمایه‌هایی چون صحنه شکار، نبرد سوار و

شوشان میانی و جدید، اوروک و آغاز نگارش، قطعات سفال و بقایای معماری در همین تپه و یا دیگر محوطه‌های بررسی شده توسط جانسون که با شماره‌های ۱۵۳، ۱۷۲، ۱۷۳ معرفی شده‌اند نیز به دست آمده است (Johnson ۱۹۷۳).

از دوره‌های بعد نیز بقایای یک بنای عظیم از دوره عیلام میانی معروف به تپه چغا (هول، ۳۷۷، ۱۳۸۱) سنگ نوشته‌ای از اوتناش ناپیرشا (همان) قلاع و اینبه دفاعی از دوره پارسی و ساسانی مانند قلعه رستم و قلعه سهراب، تاسیسات آبیاری، پلها، پل بندها، گوردخمه‌ها، آسیابها، قبرستانها، امامزاده‌ها، تپه‌ها و قبرستانهایی مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی برجای مانده است (اقتداری، ۱۳۵۳) که پرداختن به آنها در موضوع این پژوهش نیست.

درباره وجه تسمیه و نامگذاری این محل نظری دقیق و قطعی وجود ندارد. روانشاد دهخدا در توضیح لغت گت (gat) معانی بزرگ، عظیم و کبیر را آورده است و بر اساس شواهد موجود، گت را در نام جایهایی مانند گت چشمه در میان مردم مازندران و فارس رایج می‌دانند. ایشان با توجه به این امر نام گتوند را ترکیبی از گت و پسوند وند از ترکیبهای رایج در گویش لری فرض کرده‌اند ولی هیچ توضیح و تفسیری در باره تغییر مصوت فتحه به ضمه در این کلمه ارائه نداده‌اند (دهخدا، علی اکبر).

درباره این لغت می‌توان به گت که نام محلی از کوی کهو در شوشتر است نیز توجه کرد که در اینجا به صورت اسم مکان است مانند سرگت (تیرومن، ۳۹۲، ۲۵۳۵).

با شروع قرن سیزدهم میلادی طوایف جدیدی از لرها به نام هزاراسب از لرستان بزرگ به ایران هجوم آوردند. در بین این گروهها دو قبیله عربی الاصل به نام عقیلی (منطقه‌ای در ساحل شرقی کارون و موازی با شهر گتوند) و هاشمی و همچنین ۲۸ قبیله دیگر از جمله بختیاری (مختاری) جوانکی، گتوند، لبرای، ممسنی، و غیره وجود داشت. طوایف ممسنی جایگزین شول‌های رانده شده و قبیله‌های گتوند و عقیلی در سرزمین کنونی خویش شدند (امان، ۶۴، ۱۳۶۷).

علی‌رغم این نظریه که گتوند نام خود را از قبیله‌ای مهاجر کسب کرده است اما وجود مکانهایی متعدد با نام گت یا گت بصورت مستقل و یا در ترکیب با اسامی دیگر نشان دهنده سابقه و ریشه کلمه یاد شده برای اطلاق به مکانهایی مختلف است.

همان گونه که آمد درباره وجه نام گذاری این محل نمی‌توان به قطع یقین صحبت کرد و آنچه که در اینجا آمده است تنها اشاره‌ای گذرا به این نکته است و روشن شدن آن نیازمند مطالعه‌ای دامنه‌دار و ریشه‌یابی وازه گتوند است.

به نام کوشک (عکس شماره ۱).

در اصطلاح محلی، کوشک به اتاقی مربع شکل، کوچک و کم ارتفاع، با سقف گنبدی منطبق با جهات اصلی جغرافیایی بر فراز قبرها اطلاق می‌شود. این کوشکها در ساختار خود دست کم به دو شکل در قبرستانهای منطقه دیده می‌شوند، گونه اول به شکل اتاقی با یک ورودی که جهت آن متغیر است و از سه جهت دیگر بسته و یا پنجره‌ای در جهت عکس ورودی دارند. گونه دوم این بناها از هر چهار طرف باز و آزاد ساخته شده‌اند. عمده کوشکهای جدید از سه جهت مسدود هستند و نمونه‌های قدیمتر از هر چهار طرف باز و آزاد هستند. نمونه‌های متعددی از این گونه بناها در قبرستانهای این منطقه وجود دارد، از گونه‌های قدیمتر و ساخته شده از سنگ لاشه و گچ در مجاورت امامزاده محمد ابن زید تا نمونه‌های آجری و جدید با قدمت حدود ۲۵ سال در قبرستان مجاور قدمگاه علی (ع). امروزه ساخت این گونه بناها با این پلان مشخص متروک شده است ولی بعضاً از سازه‌هایی آهنی و مستطیلی شکل با سقفی شیروانی استفاده می‌شود که کوشک خوانده می‌شوند. به نظر می‌رسد وجود این سابقه تاریخی دلیل عمده نامگذاری این سازه‌ها تحت عنوان کوشک است. همانگونه که ذکر شد این بنا اکنون به طور کامل تخریب شده است اما با توجه به اندود گچ مورد استفاده در سطح درونی سازه و داغ دیوارها، پلان بنا به شکل یک چلیپا بوده است (کروکی شماره ۱). این بنا با استفاده از آجرهایی به ابعاد  $۱۸ \times ۱۵ \times ۳$  و با ملاط گچ ساخته شده است. ورودی این بنا به نظر در ضلع شمالی قرار داشته است ولی از سایر اجزاء آن مانند پنجره و یا نور گیر و تزئینات درونی بنا نشانه‌ای در دست نیست. با توجه به اینکه از قبر موجود در این بنا نشانه‌ای وجود ندارد صاحب واقعی این مقبره مشخص نیست ولی آگاهان محلی فرد مدفون در این مقبره را شخصی به نام منصور فرزند حاج اسماعیل می‌دانند که حدود ۸۰ سال پیش در جوانی فوت کرده است. گروهی از افراد مسن بومی مدعی هستند که به جز کوشک مزبور سازه دیگری نیز در این قبرستان بوده است که در حال حاضر هیچ اثری از آن در محل دیده نمی‌شود ولی تا حدود ۷۰-۶۰ سال پیش نیز بقایای مخروبه آن در سطح قبرستان وجود داشته است. این بنا کوشک خرابه نام دارد ولی از هویت فرد مدفون در آن هیچ اطلاعاتی بدست نیامد.

پدیده دیگر در قبرستان مورد بحث آجرهایی است که بر اثر برش ایجاد شده در طی احداث خیابان شهید طیبی از زیر خاک نمایان شده است (عکس شماره ۲). در این محل آجرهای چیده

پیاده، صحنه‌هایی شبیه به رقص، و ابزارهایی مانند شانسه و یا تفنگک ترسیم شده است. در این نوع از سنگ قبرها از کوچکترین و کمترین فضای موجود برای نقش اندازی استفاده شده است. این تاکید بر پر کردن سطوح خالی گاهی به ادغام کتیبه‌ها و یا استفاده از نقوشی انجامیده که در نگاه اول، به نظر تنها خاصیت آنها پر کردن فضاهای خالی یاد شده است؛ اما با بررسی دقیق‌تر می‌توان به مفهوم برخی نقشها چون تصویر خروس یا خورشید بر این یادمانها پی برد.

نوع سوم از قبرها با شکلی متفاوت و به صورت تندیسهایی با هیئت شیر ایجاد شده‌اند. این تندیسها به پاس رشادتها و شجاعت‌های کشته شدگان در نبرد، روی قبرها آنها قرار داده شده است. این شیرها با دهانی باز و دستانی بلندتر از پاها و به حالت نیم خیز در اندازه‌هایی متفاوت دیده می‌شوند. در این نمونه‌ها معمولاً کتیبه بر روی کمر جانور نوشته شده و از پهلوها برای تصویر کردن ابزار جنگی مانند تپانچه، شمشیر و سپر استفاده شده است.

این نوشتار به بررسی قبرستان خضر نبی (ع) و شیرسنگیهای موجود در آن به عنوان قدیمی‌ترین قبرستان و تنها شیرسنگیهای موجود و شناسایی شده در سطح شهر گتوند اختصاص دارد (پی نوشت ۴). این قبرستان در محل باتوجه به همجواری با قدمگاه خضر نبی (ع) به نام قبرستان خضر (ع) معروف است. در این پژوهش ما از نام خضر نبی (ع) استفاده خواهیم کرد.

این قبرستان در زمینی فاقد مالک مشخص و به احتمال وقفی در خارج از محدوده منازل مسکونی بخش موسوم به سه محل ایجاد شده و در حال حاضر از جنوب با جاده موسوم به کمر بندی، از شرق با خیابان خضر نبی (ع) و از غرب با خیابان شهید طیبی محدود شده است. حد شمالی این قبرستان با منازل مسکونی مشخص شده است.

این مجموعه با وسعت تقریبی سه هکتار تا آغازین روزهای جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران در سال ۱۳۵۹ خورشیدی مورد استفاده بوده است.

در قبرستان خضر نبی (ع) سازه و بنایی که از آن برای شست و شو و غسل اموات استفاده شود وجود نداشته و یا شناسایی نشده است. برای این کار از یک نقطه مشخص از ساحل غربی رودخانه کارون استفاده می‌شده است (پی نوشت ۵).

تنها سازه معماری این قبرستان که بقایای آن در حال حاضر نیز به صورت یک توده بسیار کوچک باقی مانده است، آوار بنایی است بر فراز یک برآمدگی مصنوعی در کنار خیابان شهید طیبی

گویای عنصر آتش و مراقبت آن است (رستم پور؛ ۱۱۶، ۱۳۸۱). این جانور در اساطیر ایران نماد خورشید است (هینلز؛ ۴۵۵، ۱۳۸۳) و به عنوان نماد تابستان بطور دائم در نبرد با گاو به عنوان نماد باران در طی جدال فصول است (همان، ۳۰۶). از نظر آیینی این جانور از نمادهای مهری است و در آثار مختلف بجای مانده از این کیش به صورت کروئوس شیرسر و یا موجودی در کنار میترا دیده می شود. در آیین مهر از ورود به جرگه مهردینان تا مراسم تشرف و اهلیت (اهل راز شدن) هفت مرحله است که چهارمین مرحله آن شیر است (کونن؛ ۱۵۵، ۱۳۷۹). این موجود در رمز شناسی اشاراتی است به تناسخ و حلول روانی در کالبدی دیگر (همان، ۱۵۶).

قدیمیترین نمونه شیرسنگی در مقام یک تندیس تدفینی در ایران، سنگ شیر یا شیرسنگی معروف در همدان است. این شیر را اسکندر مقدونی به یاد دوست صمیمی اش هفائستون که در همدان درگذشت به یادگار گذاشته است (لوشه، هاینس؛ ۴۲، ۱۳۷۳).

بجز این نمونه، نگارنده شواهد دیگری بدست نیاورده است. تنها، اشاراتی به استفاده از مجسمه هایی به شکل شیر بر روی قبور زردشتیان ساکن در منطقه بختیاری وجود دارد (خسروی عبدالعلی؛ ۱۳۴، ۱۳۶۸) که نه تنها قابل اعتماد نیست بلکه با سنتهای شناخته شده تدفین زرتشتیان تضاد دارد. هینلز (همان، ۲۴۵) نیز به استفاده از نقش شیر و یا تندیس شیر بر قبرها اشاره کرده است.

به نظر می رسد استفاده از یادمانهایی به شکل شیر بر روی قبرها تاکید خاصی است بر شجاعت و دلاوری (پی نوشت ۸). در میان بختیارها شیر به عنوان قویترین موجود دارای احترام بوده و کسانی که به نبرد شیر می رفته اند مشهور به شجاعت و دلاوری بوده اند (پی نوشت ۹).

از نظر پراکندگی، این یادمانها را می توان در قبرستانهای مختلفی در استانهای خوزستان، چهارمحال بختیاری، لرستان، اصفهان (به عنوان مثال نمونه موجود در قبرستان تخت فولاد) و حتی فارس (نمونه منتقل شده به مجموعه حافظیه) دید.

پرداختن به این نکته که آیا استفاده از این سنت در ساخت قبرها مختص طوایف بختیاری است یا خیر هدف این پژوهش نیست ولی نباید این نکته را از نظر دور داشت که تمرکز عمده این نمونه ها در مناطقی است که بختیارها در آنجا بطور سنتی تشکیل دهنده بافت غالب جمعیتی هستند و هر چه به نواحی حاشیه ای محدوده سکونت این طوایف نزدیکتر می شویم از

شده و منظم به ابعاد  $۶ \times ۲۸ \times ۲۸$  سانتی متر در یک رج نمایان شده که به زیر توده مزبور امتداد یافته است. احتمالاً رجهای پایینی و امتداد این بخش آجر چین شده در بخشهای سالم و خاک برداری نشده باقی مانده است. به واسطه قرار گیری این نمونه ها در برش از ماهیت و کارکرد آنها اطلاعی در دست نیست (پی نوشت ۶).

با توجه به نامشخص بودن مالکیت این اراضی و نبود مالک خصوصی و مشخص که به احتمال، ناشی از وقفی بودن این زمین است، و گذشت زمانی بیش از سی سال از عمر بیشتر قبرها، بخشهای دولتی و خصوصی مختلف اقدام به ساخت و سازهای گسترده و وسیعی در سطح اراضی این قبرستان کرده اند که باعث تخریب بخش عمده ای از آن شده است و با این روند در آینده نزدیک از این قبرستان، سنگ قبرها و شیرسنگی های زیبای آن اثری بر جای نخواهد ماند (کروکی شماره ۲).

### مراحل پژوهش:

در جمع آوری مطالب و نوشته های موجود علاوه بر منابع مکتوب، توجه ویژه ای بر مطالب شفاهی و داده های محیطی شده است که از راه پرسشها و تحقیقات میدانی و عموماً با استفاده از مطالب ارائه شده توسط افراد مسن و آگاه محلی تهیه شده است. این اطلاعات بویژه در ارتباط با گروه ها و افراد ساکن در محله ها و بخشهای مختلف شهر و پرسشهای گوناگون پیرامون بخشهای مختلف قبرستان خضر نبی (ع) راهگشای بسیاری از ابهامات و نقاط تاریک موجود در مسیر این پژوهش شدند. (پی نوشت ۷).

با توجه به این که هر سه شیر مورد نظر در این قبرستان شکسته شده اند در این مطالعه کوشش شده است نخست محل اصلی و خاص هر شیر را شناسایی و مشخص کرده و پس از انتقال آن به محل اصلی، بر حسب جهت قبله در قبرها و شکل شرقی - غربی شیرها (سر شیر به سمت غرب) به توصیف هر کدام از این یادمانها پرداخته شود.

در طی این پژوهش از قبرستان، سنگ قبرها و بویژه شیرسنگیهای موجود در این محل عکس برداری و از متن کتیبه های موجود بر روی آنها رونوشت هایی تهیه شد.

### شیرهای سنگی

شیر از دیرباز موجودی مورد توجه بوده جایگاهی خاص در باورهای انسانی داشته است. شیر سلطان حیوانات و سمبل شجاعت، قدرت و دلاوری است. در نجوم سنتی شیر نماینده برج پنجم از دوازده برج فلکی (دهخدا بخش دوم؛ ۲، ۱۷۲، ۱۳۵۰) و

باقی مانده، دم جانور به شکلی کاملاً برجسته با قوسی به شکل یک عصا ترسیم شده است.

گذشت زمان غبار فراموشی بر پیکر این یادمان پاشیده است و هیچ آگاهی از هویت واقعی صاحب این یادمان در خاطر مردم باقی نمانده است و از آن تنها به عنوان کشته یاد می شود. بر اساس کتیبه موجود بر روی سطح بدن شیر می توان به هویت شخصی به نام فرهاد و احتمالاً فرزند علیمراد اشاره کرد. این کتیبه با عبارت الحکم لله القاهر القهار شروع می شود. و در ادامه صاحب این یادمان را رشاده فرهاد ابن... معرفی می کند. در این بخش افتادگی و فرسایش مانع تشخیص دقیق کلمه ای می شود که تنها بخش پایانی آن باقی مانده است ولی با قید احتیاط می توان این نام را علیمراد دانست. از این جا تا سطر ششم، متن مبهم و ناخوانا است و تنها در این سطر است که عبارت سبت الله خوانا است. و در سطر هفتم اشاره به ایام هفت دارد. این متن هر چه به انتهای خود نزدیکتر می شود ناخواناتر و کتابت آن درهم پیچیده تر می شود به گونه ای که سطر هشتم کاملاً با سطر نهایی ادغام شده است. نوشته با عبارت را وسعت یافت پایان می یابد (عکس ۴ و طرح ۱).

یکی از اجزاء تصویر شده بر روی شیرهای سنگی و عمده سنگ قبرهای متعلق به مردان در این قبرستان و دیگر قبرستانهای منطقه بختیاری، ابزار رزمی است که به منظور نشان دادن شجاعت، دلاوری و سلحشوری این مردم بر روی سنگ قبر تصویر می شده است (پی نوشت ۱۰).

بر روی این شیر سنگی در سمت چپ تصویر یک شمشیر نقش شده است. این شمشیر با طولی بیش از ۲۵ سانتیمتر بخشی از ابزار رزمی این فرد است. در کنار آن شکلی شبیه به یک دایره محو و کم عمق وجود دارد که بلافاصله از کنار قبضه شمشیر ترسیم شده و با توجه به شکل باقی مانده، به احتمال می توان در این محل تصویر یک تبرزین را تجسم کرد (عکس شماره ۵ طرح شماره ۲).

در پایین ترین بخش باقی مانده از بدن این جانور، کتیبه تاریخ ساخت این یادمان و یا فوت متوفی درج شده است که بخش پایینی آن به همراه پاهای جانور جدا شده است، اما خوشبختانه هنوز تاریخ ۱۲۰۸ بر روی آن به وضوح مشخص و خوانا است. بنابراین می توان گفت که این یادمان در واپسین سالهای حکومت زندیه ساخته و در این محل نصب شده است.

### شیر سنگی شماره ۲ (عکس شماره ۶)

دومین شیر سنگی این مجموعه در بخش غربی محوطه در فضای

شمار این یادمانها نیز کاسته می شود. این یادمانها در مناطق مختلف به نامهای شیرسنگی، سنگ شیر و یا برد شیر یاد می شوند.

### شیر سنگی شماره ۱ (عکس شماره ۳)

این شیر در سمت جنوب شرقی قبرستان، کنار خیابان خضر نبی (ع) در باریکه باقی مانده بین مرکز پیش دانشگاهی آیت الله کاشانی و حوزه مقاومت شهری امام علی (ع) - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - قرار دارد (کروکی شماره ۲). جنس این شیر همانند عمده سنگ قبرهای موجود در این قبرستان از سنگ ماسه ای است.

قبری که این شیر بر روی آن فرار داشته و یا محل اصلی آن نامشخص است و به علت حجم گسترده تخریب در این بخش که شامل ساخت و ساز بناها و نیز جا به جایی سنگ قبرها است، تعیین محل دقیق قرارگیری این شیر ممکن نشد. این نمونه از محل دستها و کمر شکسته شده و پاهای آن مفقود شده است.

بدن این شیر به صورت یک استوانه ساخته شده و از سطح کمر و پهلوئی چپ جانور برای ترسیم نقش و کتیبه استفاده شده است؛ طول بخش باقی مانده از بدن شیر ۸۸ سانتی متر است که ۶۶ سانتی متر آن با کتیبه و نقش پوشیده شده است.

سر شیر با چشمانی برآمده و خیره و دهانی باز، با بدن آن تناسب کمتری دارد و به نظر کمی بزرگتر ساخته شده است ولی در روزگار شکوه خود با سینه ای رو به جلو و آماده برای خیز و جهش، نمایشی از قدرت و در عین حال سکون و آرامش بوده است.

همانگونه که گفته شد، متاسفانه پاهای این شیر به طور کامل شکسته و از بدن آن جدا شده است و اثری از آنها وجود ندارد، دستها بالاتر از پنجه ها که محل قرارگیری حیوان بر سکوی زیرین آن است شکسته و تنها ۳۰ سانتی متر از آنها باقی مانده است. دستها در این شیر و دیگر نمونه ها با استفاده از یک شیار طولی کم عمق جدا شده اند

به علت سستی جنس سنگ و نیز محل ایجاد کتیبه (بر روی کمر جانور) و تماس پیوسته آن با عوامل مخرب طبیعی و انسانی، متن کتیبه به میزان زیادی دچار فرسایش و تخریب شده است، ولی خوشبختانه شکستگیهای موجود به محل کتیبه آن نرسیده و متن آن به صورت کاملی بر جای مانده است و هنوز هم می توان کیم و بیش از مضمون آن آگاهی یافت. کتیبه این اثر عبارتست از نوشته ای در ۹ سطر به طول ۶۶ و عرض متوسط ۲۰ سانتی متر. در فضای بین این نوشته و تاریخ ساخت این شیر در انتهای بخش

طایفه اصلی هفت لنگ با پنج تیره عالی انور، عکاشه، راکی، کله و ململی می‌داند. وی طایفه عالی انور را شامل پنج تیره نفی عبدالله، عالیور، آرپناهی، میرقاید و رهزا ذکر است. در جدول ارائه شده از طوایف بختیاری توسط دکتر سکندر امان اللاهی بهاروند (۱۹۲، ۱۳۷۰) عالیور (عالی انور) یکی از انشعابات باوادی باب (بابادی باب) با شاخه‌هایی تحت عنوان اولاد مم حسینی (محمد حسینی)، غیوی (غیبی)، جلیل، یوسفی، نجفی، نفی عودللهی (تقی عبداللهی)، بدر و احمد سمالی ساکن در ییلاقات چلگرد، چمدر، گاوخفت، گله کوشک، ده نو، میان روان چلگرد، نیکان شوراب و قشلاقات صلواتی، تنگ انبار سفید، دشت ده صلواتی، بدر آباد و دره بوری است. (پی نوشت ۱۲)

وجود این سنگ شیر، شاهی بر حضور وسیع و پرامنه عشایر بختیاری و بویژه طایفه بابادی در این منطقه و ارتباط نزدیک آنها با ساکنان یکجانشین محل است. در حال حاضر نیز شمار زیادی از افراد وابسته به این طایفه در منطقه به صورت ساکن و یا کوچرو وجود دارند.

یکی از ویژگیهای این شیر که آن را از نمونه‌های دیگر متمایز می‌کند، جنس بسیار مرغوب سنگ آن است که با وجود گذشت زمانی حدود ۱۵۰ سال از ساخت آن، هنوز کوچکترین ریزترین جزئیات آن قابل مشاهده است.

بخش دیگر اجزای ترسیم شده بر روی بدن این شیرسنگی ابزار رزمی است. بر روی پهلوی راست این شیر تصویر یک تپانچه بسیار ابتدایی و ساده، به زیبایی کار شده است. با توجه به برآمدگی تصویر شده بر روی قبضه این اسلحه به نظر، سنگتراش سعی در نمایش اسلحه‌ای از نوع چخماقی داشته است. طول این اسلحه ۱۹ سانتیمتر و ارتفاع قبضه آن ۱۰ سانتیمتر است (عکس شماره ۷ طرح شماره ۵).

تصویر اسلحه گرم دیگری بر روی پهلوی چپ این شیر نیز دیده می‌شود. در این بخش تپانچه دیگری به طول ۲۲ و ارتفاع قبضه ۹ سانتیمتر ایجاد شده است. در ترسیم این نمونه در قیاس با نوع قبلی دقت و توجه کمتری شده است. (عکس شماره ۸ طرح شماره ۶).

سومین رزم افزار این یادمان در سمت راست بدن حیوان به شکل یک شمشیری بسیار زیبا و قوس دار به طول ۳۰ سانتیمتر است. طول تیغه این شمشیر ۲۰ و قبضه آن تا روی حفاظ دست ۱۰ سانتیمتر است (عکس شماره ۸ طرح شماره ۶).

در این قبرستان نمونه‌های تصویر شمشیر، سپر و تفنگ بر روی سنگ قبرها حتی انواع سیمانی و با قدمت کمتر فراوان است ولی

بین کوشک و دبیرستان کار و دانش خوارزمی بر روی زمین افتاده است (کروکی شماره ۲). این شیر تا چند سال پیش در محل خود فرار داشت و نگارنده نیز بارها آن را از نزدیک، و سوار در محل اصلی خود دیده بودم.

جنس این سنگ از نوع آهکی سفید است که کمتر در کوه‌های مجاور گتوند وجود دارد. احتمالاً این نوع سنگ از محلی دورتر به این نقطه آورده شده است (شاید از کوه‌های حوالی لالی).

طول بدن این شیر ۷۷ سانتیمتر، ارتفاع دستها (شکسته) ۲۸ و پاهای آن ۴۳ سانتیمتر است. در اینجا چون دیگر نمونه‌ها تصویر یک شیر نر با دستها و پاهایی به هم چسبیده که با یک شیار تفکیک شده اند دیده می‌شود.

طول کتیبه ایجاد شده بر روی بدن این جانور به ۴۰ سانتیمتر می‌رسد که در ۶ سطر کوتاه به معرفی متوفی، پدر و طایفه‌ای که این فرد به آن تعلق داشته است می‌پردازد (عکس شماره ۶ طرح شماره ۴).

بر اساس کتیبه این شیر بر روی قبر شخصی به نام پنجعلی ولد عباسعلی بابادی عالی نور ایجاد شده است که در سال ۱۲۷۸ فوت کرده است.

این کتیبه نشانگر وابستگی فرد متوفی به تیره عالی نور طایفه بابادی است. بر طبق نظر ترویگو از دوره شاه طهماسب ایل بختیاری به دو بخش هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم شد (امان؛ ۶۷، ۱۳۶۷). در زیر مجموعه این تقسیم بندی طوایف مختلفی قرار دارند. به عنوان مثال هفت لنگ از چهار طایفه دینارانی، دورکی، بابادی، و بهاروند تشکیل شده است. هر طایفه ترکیبی از تیره‌های مختلف است چون تیره‌های بابادی، آرپناهی، کله، احمد محمودی، راکی و... در زیر مجموعه طایفه بابادی. تیره‌ها به بخشهای دیگری به نام تش تقسیم می‌شوند (پی نوشت ۱۱) تش عالی انور، حاجی ور، تقی عبداللهی، احمد اسمعیلی، لک، جلیل و... در زیر مجموعه تیره کله بابادی. در هر تش زیر مجموعه‌هایی به عنوان اولاد وجود دارد مانند اولاد جهانگیرخان و اولاد فرامرزان به عنوان زیر شاخه تش عالی انور (نام این طوایف و ایلات و تقسیم بندی آنها بر گرفته از خسروی عبدالعلی؛ ۸۸، ۱۳۶۸).

بر این اساس عبدالعلی خسروی (همان، ۸۸) در جدولی که برای نمایش طوایف مختلف ایل بختیاری ترسیم کرده است به وجود یک تش تحت عنوان عالی نور به عنوان زیر مجموعه تیره کله طایفه بابادی معتقد است. ولی مولف کتاب تاریخ بختیاری (سردار اسعد بختیاری، ۶۱۸، ۱۳۷۶) طایفه بابادی را از چهار



تصویر تپانچه تنها بر روی این یادمان دیده شده است.

### شیر سنگی شماره ۳ (عکس شماره ۹)

سومین شیر سنگی و جدیدترین نمونه در شمال این قبرستان و در بین دو مدرسه راهنمایی شهید فهمیده و مرکز پیش دانشگاهی آیت الله کاشانی واقع است (کروکی شماره ۲). این مورد تنها شیر سنگی این قبرستان است که هنوز در محل اصلی خود قرار دارد. این نمونه با وجود اینکه شکسته و بر روی زمین افتاده بود اما از سوی خانواده و بازماندگان متوفی با استفاده از سیمان در محل اصلی قبر نصب شده است.

طول بدن این حیوان ۸۶ سانتیمتر است. دستهای آن به طور کامل شکسته شده و از پاهای آن که به همان سبک دو نمونه دیگر ساخته شده اند تنها ۴۳ سانتیمتر برجای مانده است.

در این جا بر عکس دو نمونه قبلی که کتیبه بر روی سطح پهن و مسطح پشت حیوان ایجاد شده بود از سمت راست بدن جانور به این منظور استفاده شده است و در فضای موجود بر پهلوی چپ آن نقش یک شمشیر و سپر، حجاری شده است. بر روی پشت این شیر نیز مانند نمونه های قدیمی تر دم جانور دیده می شود که انتهای آن برگشته و بر پشت حیوان افتاده است. همان گونه که ذکر شد تنها تفاوت این شیر با نمونه های قبلی در محل ایجاد کتیبه است. این شیر در بخش فوقانی کمر دارای عرض کمی است و به همین دلیل از پهلوی چپ جانور به این منظور استفاده شده است.

کتیبه این قبر در شرایط مناسب و مطلوبی قرار دارد ولی متأسفانه در محل ذکر نام متوفی بر اثر اصابت ضربه، پریدگی مختصری به وجود آمده است که کامل خواندن نام را غیر ممکن می سازد. بقایای این پریدگی به سطر پایین این متن نیز نفوذ کرده است. این نوشته در دو سطر نشانگر یادمانی بر روی قبر فردی (احتمالاً) به نام هیبت الله فرزند مشهدی احمد گنوندی است که به سال ۱۳۷۴ قمری به رحمت ایزدی پیوسته است (عکس شماره ۱۰ طرح شماره ۷)

این تنها نمونه شیر سنگی موجود در این قبرستان است که به وضوح و روشنی وابستگی و تعلق متوفی را به گنوند نشان می دهد؛ استفاده از این پسوند بر روی دیگر سنگ قبرهای این قبرستان به عنوان پسوند نام افراد در نمونه های متعددی دیده می شود اما بر روی دو شیر سنگی دیگر این محل نشانی از وابستگی فرد به مکان خاصی دیده نمی شود.

همانگونه که ذکر شد بر روی پهلوی چپ این شیر تصویر شمشیری با قبضه ای بلند و انحنايي در تیغه و سپری با هفت

برآمدگی دکمه مانند ایجاد شده است. این شمشیر ۳۴ سانتیمتر طول دارد که ۱۰ سانتیمتر آن به قبضه اختصاص دارد. در این نمونه سپر بر روی شمشیر تصویر شده و ۱۲ سانتیمتر قطر دارد. (عکس شماره ۱۱ طرح شماره ۸).

### سخن پایانی

مجموعه قبرستان خضر نبی (ع) با توجه به شیر سنگی ها و سنگ قبرهای موجود و بررسی شده حداقل از سال ۱۲۰۸ قمری تا ۱۳۵۹ خورشیدی به مدت حدود ۲۰۰ سال به طور مداوم و پیوسته مورد استفاده بوده است.

از سوی دیگر با توجه به فرسایش شدید در سطح برخی از سنگها و نیز تخریب بخشهایی از قبرستان (عمدتاً در بخشهای قدیمیتر) قدمتی بیش از این زمان را می توان برای این مجموعه در نظر داشت.

در حال حاضر با توجه به پراکندگی سنگ قبور و تاریخ ثبت شده بر روی آنها به نظر می رسد که گسترش این قبرستان از گوشه جنوب شرقی فضای موجود (در اراضی حاشیه جاده کمر بندی) آغاز و به تدریج به سمت شمال کشیده شده است؛ به گونه ای که قبرها جدیدتر عمدتاً در بخش شمالی قبرستان واقع هستند. این پراکنش را حتی می توان در شیر سنگیهای مورد بررسی در این نوشتار نیز دید.

نکته قابل توجه این است که یادمانهای مذکور در طی سالیانتمادی نه تنها اهمیت و اعتبار خود را در بین این مردم حفظ کرده اند بلکه به میان باورهای آنها نیز نفوذ کرده اند؛ در باور مردم این منطقه، کودکی که پس از طی مدت مشخصی هنوز به راه نیفتاده است در صورتی که به کنار شیر و بر سقر کشته، برده شود راه رفتن خود را آغاز خواهد کرد. در باور مردم این رخداد و یا نازایی یک زن ناشی از چله ای (چهله) بود که از یک زن به زن دیگری منتقل می شد (به ویژه به زنانی که تازه فرزند خود را به دنیا آورده و یا نزدیک به زایمان بودند) در این صورت در کنار این شیرها کنشها و رفتارهایی انجام می دادند تا این مانع را از میان بردارند. یکی از شایعترین این رفتارها وردهایی بود که در این حال تکرار می کرده اند. از جملات متداولی که در این مواقع و با آهنگ و ریتمی خاص به کار می رفته است می توان به عبارت زیر اشاره کرد:

چله برم، چله برم، چله آدم و آدمیزاد، جن یا پری زاد (چله می برم، چله می برم، چله آدم و آدمیزاد، جن یا پری زاد) و معتقد بودند پس از آن طلسم باطل خواهد شد.

همانگونه که ذکر شد متاسفانه این مجموعه زیبا و در نوع خود منحصر بفرد به واسطه حجم گسترده ساخت و سازها که عمدتاً توسط اداره‌ها و ارگانهای دولتی صورت گرفته است در معرض تهدید جدی تخریب و نابودی است و تاکنون کوچکترین اقدامی از سوی مراجع و ارگانهای مسؤول از جمله سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و یا اوقاف و امور خیریه در این رابطه صورت نگرفته است.

امیدواریم به منظور حفاظت از بخشهای موجود این قبرستان و نیز رفاه و آسایش ساکنان و مجاوران این مجموعه با انجام اقداماتی نظیر ایجاد فضای سبز، پاکسازی محیط از مواد زائد انباشته شده در آن، نظم دادن به سنگ قبرهای موجود و نیز روشن کردن وضعیت سنگ قبرهای جایجا شده نسبت به بهسازی فضای این قبرستان و نیز ممانعت از تخریب دیگر بخشهای این مجموعه اقدام شود.

#### پی نوشتها:

- ۱- این منطقه بر اساس آخرین تقسیمات کشوری با عنوان شهرستان گتوند با مرکزیت شهر گتوند مستقل شد.
- ۲- از نظر جمعیتی این محل دارای ساختاری دو بخشی در ساکنان محلی است که در گذشته با یک رودخانه کوچک فصلی از یکدیگر جدا شده بودند. هر کدام از این بخشها در گویش محلی مال خوانده می شوند. اصطلاح مال در بین عشایر بختیاری به یک سیاه چادر خانوادگی و مستقل گفته می شود. همین نکته شاید اشاره ای به پیشینه عشایری مردم گتوند باشد.
- ۳- حونه در گویش محلی به معنی خانه است و اشاره به یک گروه فامیلی نزدیک و متحد دارد که دارای نیایی مشترک هستند. این گونه تقسیم بندیها را می توان در بافت جمعیتی دیگر شهرهای خوزستان از جمله شوشتر نیز دید که در زیر مجموعه قالب اصلی جمعیتی که حیدری و نعمتی خوانده می شوند زیر شاخه هایی تحت عنوان حونه وجود دارد.
- ۴- لازم به ذکر است که عمده قبرستانها و امامزاده ها (به عنوان نقطه مرکزی و محور تشکیل قبرستانها) با توجه به سنگ قبرهای موجود در محل بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارند. با توجه به این آثار موجود در منطقه یاد شده از حدود ۲۵۰ سال پیش جهشی در افزایش تعداد قبرستانها (بیش از تعداد کنونی)، با مساحتهای متفاوت و پراکندگی زیاد دیده می شود. این قبرستانها گاهی بر بالای کوهها و یا نواحی دورافتاده و صعب العبوری واقع شده اند که به نظر تنها از سوی کوچ نشینان مورد استفاده بوده اند.
- ۵- برای این کار چند سنگ بزرگ رودخانه ای در کنار هم

مردم، پیش از این برای در امان ماندن کودکان خود از بیماری و بویژه چشم زخم حسودان و امراضی مانند سیاه سرفه آنها را از روی شیرها عبور می دادند.

مجموع رفتارها، کنشها، اعتقادات و باورهای مردم پیرامون شیرهای سنگی نیازمند مطالعه کامل و جداگانه ای است که در موضوع این پژوهش نمی گنجد. در اینجا تنها اشاره ای کوتاه و گذرایی به برخی از کنشهای مردم ساکن در گتوند در قبال آنها شده است (پی نوشت ۱۳).

از سوی دیگر، نمایان شدن تعدادی آجر در برش ایجاد شده در اراضی بخش غربی قبرستان خضر نبی (ع) دلیل دیگری بر اهمیت این مجموعه و لزوم انجام مطالعه ای دقیق و کامل پیرامون قبرستان و اراضی حاشیه ای آن است.

متاسفانه درباره هنرمندانی که این یادگارهای با ارزش را ایجاد کرده اند اطلاعات بسیار کمی وجود دارد. در دوره مورد بحث، در سطح گتوند حجار و سنگ تراش بومی که اقدام به ساخت این آثار کند وجود نداشته است. بر طبق اطلاعات موجود در این زمان دو گروه از سنگ تراشان در این منطقه مسؤلیت ساخت سنگ قبرها و دیگر ابزارها و وسایل سنگی مانند سنگ آسیابها را داشته اند. گروه اول تعدادی از افراد ساکن در منطقه لالی و هفت شهیدان بوده اند. ظاهراً یک گروه شناخته شده در این زمینه فرزندان آگودرز (آقا گودرز) بهداروند بودند.

گروه دیگری که به این کار اشتغال داشتند حجاران مهاجری هستند که از منطقه هفشجان واقع در استان چهارمحال بختیاری همراه با عشایر به این محل وارد می شده اند.

برای ساخت سنگ قبر حجاران بر طبق نوع سفارشی که به آنان ارائه می شد از بین سه نوع سنگ موجود در محل که در اصطلاح به سنگ چیتی (سنگ ماسه ای)، کمری و یا خارا خوانده می شده اند، نمونه ای را انتخاب و طرح درخواستی را بر روی آن ایجاد میکرده اند.

بر روی هیچ کدام از شیرسنگیها و یا سنگ قبرهای این قبرستان امضاء و یا نشانه ای که با توجه به آن بتوان سازنده اثر را شناسایی کرد مشاهده نشده است. تنها بر روی یک سنگ قبر در قبرستان پیراحمد در حاشیه گتوند (عمدتاً مورد استفاده طوایف چهار لنگ اورک و محمود صالحی) هنرمندی گمنام عبارت عمل استاد شکرالله بر روی قبری به تاریخ ۱۲۵۲ قمری را به یادگار گذاشته است (عکس شماره ۱۲). علی رغم وجود این نشانه، متاسفانه نمی توان در باره سازنده دیگر نمونه ها، خاستگاه و پایگاه اجتماعی آنان و یا شیوه کارشان اظهار نظر کرد.



چیده شده و از آن به عنوان سکویی در زیر بدن میت استفاده می شده است. نظیر همین روند تا مدتی پس از تاسیس قبرستان جدید، در بخش دیگری از ساحل رودخانه و تا پیش از احداث غسلخانه کنونی - در محل موسوم به گذار علی - وجود داشته است. در موارد خاصی مانند گل آلود بودن آب رودخانه کارون از محلهای دیگری چون وضو خانه و حوض آب مساجد و یا چاه آب موجود در سطح منازل استفاده می شده است.

۶- نمونه های مشابه این آجرها در چند نقطه مختلف در امتداد همین خیابان در طی ساخت و ساز بناهای مسکونی نمایان شده است. این آجرها را در محل به عنوان بخشهایی از کانالی می دانند که گفته می شود از بالادست گتوند آب مورد نیاز کشاورزی اراضی اطراف شوشتر را تامین می کرده است. وجود سازه هایی مانند بنای گچ سنگی به شکل یک سیفون تاییدی بر وجود تاسیسات آبیاری پیشرفته در این بخش از خوزستان است.

۷- لازم است مراتب سپاسگذاری و قدردانی خود را از تمام عزیزانی که نگارنده را در تدوین این مطلب یاری رساندند بیان دارم، عزیزانی که با شکلیایی پاسخهایی کامل و جامع به پرسشهای متعدد مطرح شده، دادند؛ آقایان سید جلیل رحمانی و کاکا شیر اسماعیل زاده در رونوشت برداری و ترسیم کتیبه ها و شیرسنگی به من یاری رساندند. آقایان علی اکبر وحدتی، میر روح الله محمدی و دیگر دوستانی که متن این نوشته را مطالعه و نقطه نظرهای مفید و راهگشایی عرضه داشتند.

۸- استفاده از تندیس شیر در کنار نقشمایه هایی چون خروس و خورشید و یا تاکید بر رزم و رزم آوری و استفاده از رزم ابزارها بر روی سنگ قبرها شاید اشاراتی به ادیان و اعتقادات قدیمی و پیش از اسلام این مردمان باشد.

۹- برای آشنایی با اعتبار و اهمیت شیر و شیرکشی در بین بختیارها و وصف شیرهای خوزستان که در نقش هدیه آوران ایلامی تخت جمشید نیز ترسیم شده است می توان به گزارشها و سفرنامه های متعدد حاصل موجود مراجعه کرد مثلاً لایارد، ۱۳۶۷، ۲۳۴.

۱۰- این امر اختصاص به مناطق بختیاری نشین ندارد بلکه در دیگر نقاط غرب کشور نیز بخصوص در استانهای کرمانشاه، لرستان و ایلام، فبرها با نقشهای متنوع و مختلفی که مضامین مشابه و نزدیک به یکدیگر دارند آراسته شده اند. راولینسن نیز به این امر اشاره دارد و بر بی نظیر بودن آنها اشاره می کند (راولینسن؛ ۶۲، ۱۳۶۲).

۱۱- در بختیاری به گروهی تش می گویند که از قوم واحد باشند

و در کوچ با هم همراهی کنند (امان؛ ۶۸، ۱۳۶۷).

۱۲- به عبارت ساده تر ایل بزرگ بختیاری دارای تقسیم بندی مشخصی است که از ترکیب و اتحاد دو شعبه چهارلنگ و هفت لنگ و زیر مجموعه هایی شامل طایفه، تیره، تش، اولاد، مال و خانوار و یا کر و بو (پدر و پسر) تشکیل شده است. برای مقایسه تقسیم بندی ایل بختیاری با سایر ایلات و عشایر ببینید. Roger ۱۹۹۳ بویژه جدول ۴، ۱ و یا بهاروند؛ ۱۳۸۴، ۲۰۰.

۱۳- مجموع این رسم و آیین تا حدود ۳۰ سال پیش در این منطقه رواج داشته و اعتقاد به کارایی آنها هنوز هم در بین برخی از مردم وجود دارد. این اعتقادات اختصاص به این منطقه ندارد و در دیگر مناطق بختیاری نشین به صورتهایی مشابه دیده و گزارش شده است. به عنوان مثال ببینید الیما؛ ۱۴۰، ۱۳۷۹. نظیر همین کنشها را می توان در بین مردم همدان در دوره اسلامی در قبال سنگ شیر این شهر نیز دید. به عنوان نمونه ابن فقیه از این یادبود به عنوان طلسم شهر همدان یاد کرده اند (لوشه؛ ۴۳، ۱۳۷۳) و جکسن نیز گزارش می دهد که زنان شهر همدان نیازهای و نذورات خود را با این شیر به جای می آورده اند. آنها سر شیر را با روغن خوشبو و یا شیر می مالند و سنگهای کوچک و یا بازمانده های خوراکی در جوفهای ریز و درشت که در پشت شیر است می گذارند (همان). این رفتارها تنها بخشی از نمونه های مطرح شده است. پرویز اذکایی شرح مفصلی از نوشته های سفرنامه نویسان مسلمان در دوره اسلامی پیرامون این شیر در حاشیه ای که بر ترجمه مقاله لوشه دارند آورده اند.

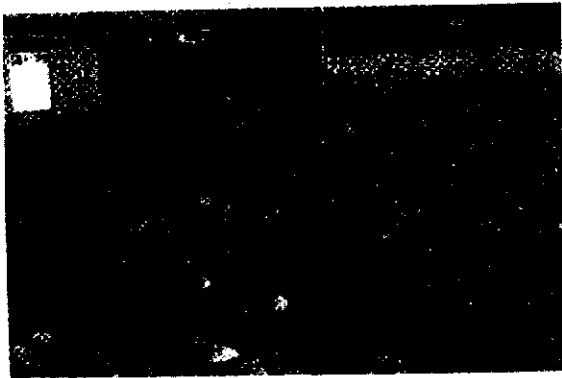
مجموع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال جامع علوم انسانی

- ۱۳- راولینسن، سر هنری  
۱۳۶۲؛ سفرنامه راولینسن (گذر از ذهاب به خوزستان)،  
ترجمه دکتر سکندر امان اللهی بهاروند، تهران انتشارات  
آگاه  
۱۴- امان اللهی بهاروند، سکندر  
۱۳۸۴؛ کوچ نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و  
ایلات، تهران، انتشارات آگاه  
۱۵- کوئن، فراتس  
۱۳۷۹؛ آیین پر رمز و راز میزایی رازهای میترا، ترجمه و  
پژوهش هاشم رضی،  
۱۶- امان، دینر  
۱۳۶۷؛ بختیارها: عشایر کوه نشین ایرانی در پویه تاریخ،  
ترجمه سید محسن محسنیان، معاونت فرهنگی  
آستان قدس رضوی  
۱۷- الیما، بنوار  
۱۳۷۹؛ وار، تهران

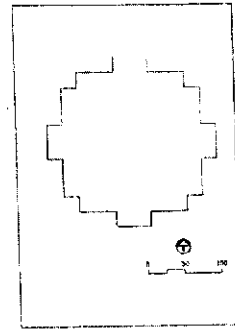
1-Johnson, Gregory Alan  
1973 Local Exchange And Early State Development In Southwestern Iran , Ann Arbor ,Michigan.  
2-Roger, Cribb  
1993 Nomads In Archaeology , Cambridge University Press

### فهرست منابع:

- اقتداری، احمد  
۱۳۵۳؛ دیار شهریاران آثار و بناهای تاریخی  
خوزستان؛ بخش اول، تهران سلسله انتشارات انجمن  
آثار ملی ۱۱۰  
خسروی، عبدالعلی  
۱۳۶۸؛ فرهنگ بختیاری، ناشر فرهنگ سرا، چاپ اول  
لوشه، هاینس  
۱۳۷۳؛ شیر اکباتان ترجمه و تحشبه پرویز اذکابی، مجله  
باستان شناسی و تاریخ، سال هشتم، شماره دوم، بهار و  
تابستان ۱۳۷۳.  
۴- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح  
۱۳۷۰؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری  
اسلامی ایران، دزفول؛ جلد ۶۹  
۵- حسین زاده، میثم؛ دانا، محسن  
۱۳۸۴؛ بررسی تپه گچ سنگی در گتوند (منتشر نشده).  
۶- علی قلی خان سردار اسعد و عبدالحسین لسان السلطنه سپهر  
ملک المورخین  
۱۳۷۶؛ تاریخ بختیاری خلاصه الاعصار فی تاریخ البختیار،  
به اهتمام جمشید کیان فر، تهران: انتشارات اساطیر  
۷- هول، فرانک  
۱۳۸۱؛ باستانشناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی،  
تهران: انتشارات سمت  
۸- لایارد، سر اوستن هنری  
۱۳۷۶؛ سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران ترجمه  
مهراب امیری، انتشارات وحید  
۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه  
۱۰- هینلز، جان راسل  
۱۳۸۳؛ اساطیر ایران، ترجمه و تالیف باجلان فرخی،  
تهران: اساطیر  
۱۱- امان اللهی بهاروند، سکندر  
۱۳۷۰؛ پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی  
جغرافیایی لرها در ایران، تهران، انتشارات آگاه  
۱۲- رستم پور، سالومه  
۱۳۸۱؛ مهر پرستی در ایران، هند و روم، تهران، خورشید  
آفرین



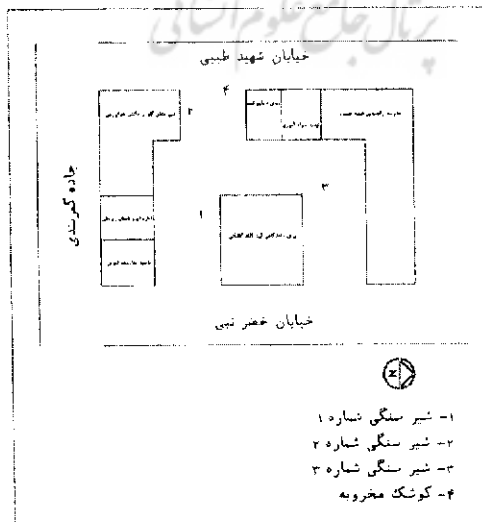
عکس ۱: کوشک مخروبه



کروکی ۱: پلان فرضی کوشک مخروبه



عکس ۲: آجرهای پدیدار شده در پرش غربی قبرستان



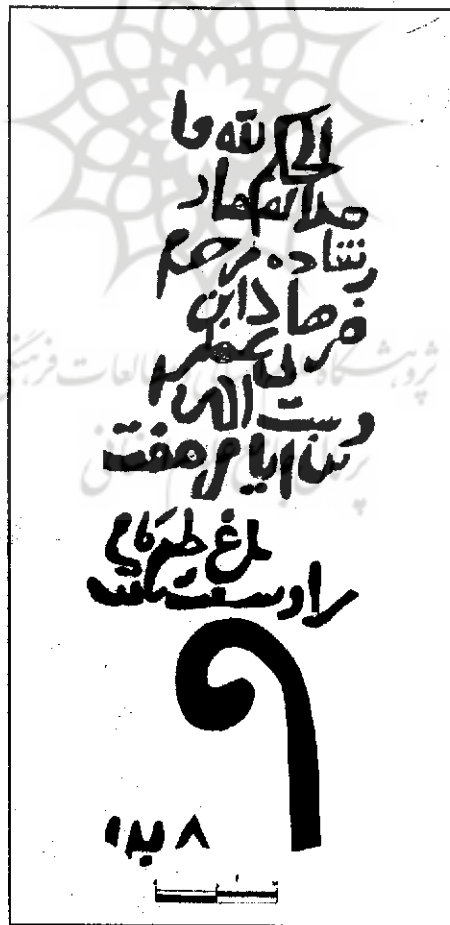
کروکی ۲



عکس از کتیبه شیر شماره ۱



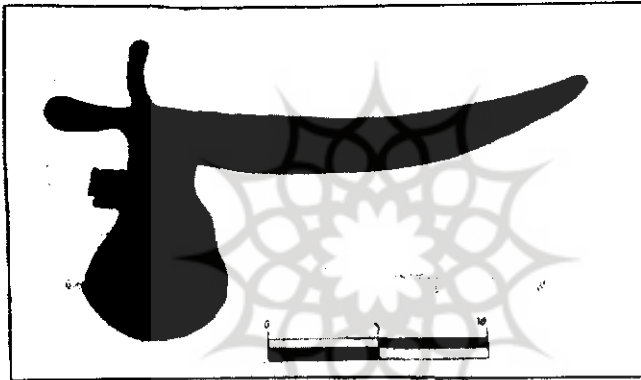
عکس از شیر سنگی شماره ۱



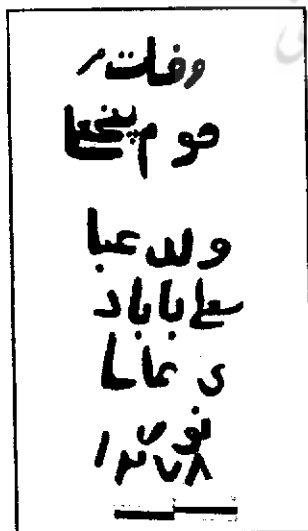
طرح ۱: رونوشت کتیبه شیر سنگی شماره ۱



عکس شماره ۵: آلات رزمی شیر شماره ۱



طرح ۲: تصویر آلات رزمی شیر شماره ۲



طرح ۳: رونوشت کتیبه شیر شماره ۲



عکس ۱: شیر سنگی شماره ۲



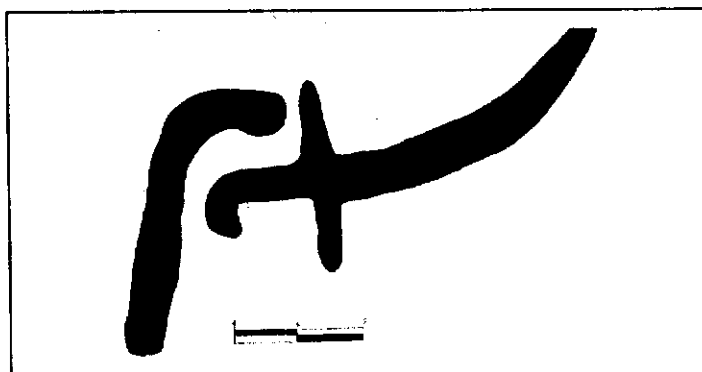
عکس ۲: بخشی از آلات رزمی شیر شماره ۲



طرح ۵: تصویر بخشی از آلات رزمی شیر شماره ۲



عکس ۸: بخشی دیگر از آلات رزمی شیر شماره ۲

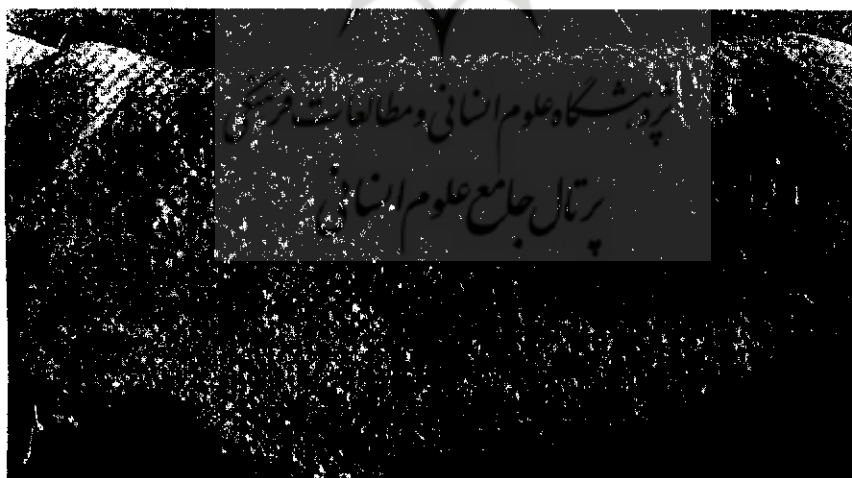


طرح ۶: تصویر بخشی دیگر از آلات رزم شیر شماره ۲

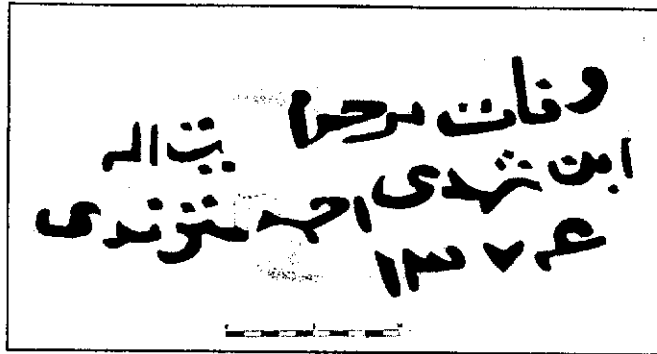




عکس ۹: شیر سنگی شماره ۳



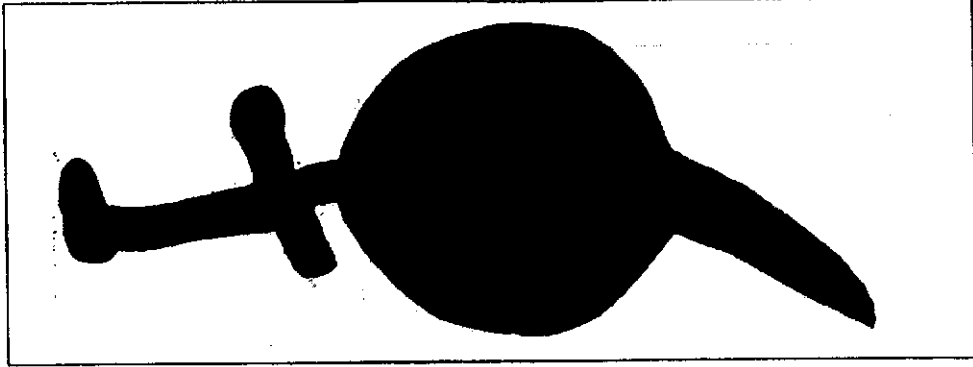
عکس ۱۰: کتیبه شیر شماره ۳



طرح ۷: رونوشت کتیبه شیر شماره ۳



عکس ۱۱: آلات رزمی بر روی شیر شماره ۳



طرح ۸: تصویر آلات رزمی شماره ۳



عکس ۱۲: سلک قبر با عبارت عمل استاد شکر خدا  
از قبرستان پیر احمد